

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۳، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره ۲۵

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۹۵-۱۱۶

جستاری تطبیقی در تبیین ویژگی‌های اهل بیت پیامبر ﷺ در آئینه حدیث صلوات

محمود واعظی*

حسین رضایی**

چکیده

تلاش متکلمان شیعه در همه اعصار، اثبات جایگاه علمی و معنوی اهل بیت رسول اکرم ﷺ به‌عنوان جانشینان برحق ایشان بوده و در این راه از هیچ کوششی دریغ نورزیده‌اند. در این خصوص، استناد به آیات قرآن کریم و روایات نبوی، متفق علیه به‌عنوان میراث مشترک فریقین، حجتی قاطع محسوب می‌شود. از جمله مواردی که شایسته تأمل و عنایت بیشتر است، تبیین ویژگی‌های خاندان رسالت بر اساس آیه ۵۶ سوره احزاب است. تحقیق تطبیقی در متون تفاسیر جامع سنی و شیعی، نشان از آن دارد که در این خصوص، توجه لازم صورت نگرفته است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در تفسیر چگونگی صلوات بر ایشان حدیث صحیح و متفق علیه ذکر فرمودند که بررسی آن بر اساس آیات قرآن کریم و دیگر روایات صحیح، در اثبات معتقدات کلامی شیعه، نقش اساسی ایفا خواهد کرد. هدف پژوهش حاضر که با رویکرد تطبیقی به روش توصیفی تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای انجام شده، رمزگشایی از این حدیث تفسیری و اثبات جایگاه علمی معنوی و مصادیق حقیقی عترت پیامبر ﷺ است. در پایان شبهات ابن تیمیه بر حدیث مذکور که به قصد انکار فضیلت امیرالمؤمنین علی ﷺ و رد عقاید شیعه مطرح شده، مورد بررسی و نقد قرار گرفته و بطلان ادعاهای او ثابت شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، تفسیر مأثور، اهل بیت پیامبر ﷺ، حقانیت شیعه.

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران / mvaezi@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، نویسنده مسئول / hossein.rezaee@ut.ac.ir

۱. طرح مسئله

خواص هر شخص نسبت به او، اهلش محسوب می‌شوند. (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۱، ص ۱۵۰) واژه «آل» نیز در اصل «اهل» بوده که حرف هاء به همزه و سپس به الف تبدیل شده است. (ابن منظور، ۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۳۰؛ راغب اصفهانی، ۱۳۳۲، ج ۱، ص ۹۸). البته کاربرد واژه «آل» از واژه «اهل» محدودتر است؛ زیرا آل به زمان و مکان و حرفه و مانند آن اضافه نشده و به انسان اختصاص دارد و در مورد انسان نیز فقط به انسان‌هایی که جایگاه ویژه‌ای برای او دارند، اضافه می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۳۳۲ق، ج ۱، ص ۹۸) لذا منظور از اهل بیت پیامبر ﷺ، خواص آن حضرت هستند. هر چند که در تعیین مصادیق اهل بیت بین فریقین اختلافات جزئی وجود دارد، صرف نظر از این اختلافات، اهل بیت علیهم‌السلام به طور ویژه‌ای برای شیعیان مهم هستند؛ زیرا در مذهب تشیع، اعتقاد به مرجعیت دینی اهل بیت رسول اکرم ﷺ جزء اصول مذهب بوده و آن انوار الهی مفسر اصلی قرآن و سنت هستند. شیعیان باور دارند که آن‌ها معصوم و جانشینان برحق پیامبر ﷺ می‌باشند. برای اثبات این عقیده، علما و متکلمان شیعه با استناد به آیات قرآن کریم و سنت نبوی، از هیچ کوششی فروگذار نکرده‌اند. اما در این بین، به بعضی از آیات و روایات که بر اساس آن‌ها می‌توان معتقدات مذهب تشیع را اثبات کرد، توجه شایسته و کافی نشده است. یکی از مصادیق این سخن، آیه «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب: ۵۶) و روایت صحیح و متفق علیه است که پیامبر گرامی اسلام در تفسیر آن بیان فرموده‌اند. وقتی این آیه نازل شد، از پیامبر ﷺ درباره چگونگی فرستادن صلوات بر ایشان سؤال کردند. پیامبر ﷺ فرمود: «قُولُوا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارَكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۱۲۰؛ قشیری نیشابوری، ۴۲۶ق، ج ۱، ص ۳۰۵؛ ابو داود، ۲۰۱۰م، ج ۱، ص ۲۵۷؛ نسائی، ۴۰۶ق، ج ۳، ص ۴۸؛ ابن ماجه، ۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۹۳؛ ترمذی، ۱۳۹۵ق، ج ۵، ص ۳۵۹؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۹، ص ۱۳۰؛ کلینی، ۱۳۶۷ش، ج ۴، ص ۵۵۲؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۰۰ و...) این روایت علاوه بر منابع اصلی

شیعه، در صحیح مسلم و بخاری و سنن اربعه اهل سنت به طرق مختلف نقل شده و حدیثی است که ابن تیمیه در وصف آن می‌گوید: «أَنَّه لَا رَيْبَ أَنَّ هَذَا الْحَدِيثَ صَحِيحٌ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۲۳۹) البته در برخی از نقل‌های مختلف حدیث، اختلافاتی وجود دارد که قابل اغماض است؛ چنان‌که شوکانی در فتح القادیر می‌گوید: «وَجَمِيعُ التَّغْلِيْمَاتِ الْوَارِدَةِ عَنْهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الصَّلَاةِ عَلَيْهِ مُشْتَمَلَةٌ عَلَى الصَّلَاةِ عَلَى آلِهِ مَعَهُ إِلَّا النَّادِرَ الْيَسِيرَ مِنَ الْأَحَادِيثِ، فَيَنْبَغِي لِلْمُصَلِّيِ عَلَيْهِ أَنْ يَضُمَّ آلَهُ إِلَيْهِ فِي صَلَاتِهِ عَلَيْهِ» (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۴۹)

در این روایت تفسیری که چگونگی صلوات امر شده در آیه ۵۶ سوره احزاب در آن توضیح داده شده است، نکات بسیار مهمی وجود دارد که با توجه به بررسی صورت گرفته از دید مفسرین فریقین مغفول مانده و آن این است که در آیه شریفه، فقط امر به صلوات بر رسول ﷺ آمده، اما پیامبر ﷺ در روایت ذکر شده، اهل بیت خود را نیز در این موضوع شریک دانسته و صلوات بر آنها را نیز شامل دستور الهی دانسته است. صلوات بر پیامبر ﷺ با توجه به جایگاه ایشان و رسالت الهی که بر عهده داشتند، کاملاً واضح است. سؤال مهم اینجاست که خاندان و آل ایشان مگر دارای چه ویژگی‌هایی بوده‌اند که شایسته چنین تعظیمی می‌باشند؟ همچنین منظور از «آل محمد ص» در این روایت چه کسانی هستند؟

۱-۱. روش تحقیق

این تحقیق برحسب نحوه گردآوری داده از نوع توصیفی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. روش تحقیق در این پژوهش نیز که با رویکرد تطبیقی انجام شده، از نوع تحلیل محتواست که برای بررسی محتوای آشکار پیام‌های موجود در یک متن استفاده شده که مهم‌ترین کاربرد آن توصیف ویژگی‌های یک متن و همچنین استنباط جنبه‌های فرهنگی پیام است. (سرمد و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۳۲) این روش تحقیق دارای دو مرحله اساسی است که عبارت‌اند از: بررسی مواد (پیام) و پردازش نتایج. پیام‌ها در این تحقیق عبارت‌اند: از آیات قرآن کریم، روایات صحیح و حسن خصوصاً از منابع اهل سنت و تفاسیر جامع شیعی و سنی که مورد پردازش و نتیجه‌گیری قرار می‌گیرد. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، قرآن کریم، تفاسیر و

سایر پژوهش‌های انجام‌شده درباره موضوع تحقیق است. جامعه نمونه، بر جامعه مورد مطالعه منطبق است و همه اسناد و مدارک موجود قابل دسترس مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۲-۱. پیشینه تحقیق

اشاراتی برای استفاده کلامی از آیه و روایت صلوات به منظور اثبات برتری اهل بیت (علیهم‌السلام) در منابع روایی به چشم می‌خورد. برای مثال امام رضا (علیه‌السلام) طی حدیث مفصلی با استناد به ۱۲ آیه قرآن کریم، برتری اهل بیت (علیهم‌السلام) بر امت اسلامی را مورد بحث قرار داده که هفتمین آیه مورد استناد ایشان، همین آیه و روایت صلوات می‌باشد. ایشان در این رابطه می‌فرمایند: «وَأما السابعة فيقول الله: "إن الله و ملائكته يصلون على النبي يا أيها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليماً" وقد علم المعاندون منهم أنه لما نزلت هذه الآية قيل يا رسول الله قد عرفنا التسليم عليك فكيف الصلاة عليك؟ فقال: تقولون. "اللهم صل على محمد وآل محمد كما صليت على إبراهيم وآل إبراهيم إنك حميد مجيد" وهل بينكم معاشر الناس في هذا اختلاف؟ قالوا: لا. فقال المؤمنون: هذا مالاختلاف فيه أصلاً وعليه الاجماع. فهل عندك في الآل شيء أوضح من هذا القرآن؟» (عطاردي، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۱۹)

در رابطه با اثبات فضیلت اهل بیت بر مبنای حدیث صلوات، مقاله‌ای با عنوان «افضلیت و عصمت اهل بیت (علیهم‌السلام) در آیه و روایات صلوات» (ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۵، ص ۹) به نگارش درآمده که موضوع آن، اثبات عصمت آل محمد (علیهم‌السلام) و افضلیت آنها بر دیگران بوده و در تعیین مصداق اهل بیت (علیهم‌السلام) به احادیث ثقلین و سفینه و مانند آن استناد نموده است. اما درباره دیگر ویژگی‌هایی که بر مبنای آیات و احادیث مربوط به موضوع صلوات، برای اهل بیت پیامبر (علیهم‌السلام) قابل اثبات می‌باشند، سخنی مطرح نشده است. نیز در تعیین مصادیق اهل بیت (علیهم‌السلام) بر مبنای حدیث ثقلین و سفینه، تنها عصمت پنج نفر قابل اثبات است، نه عصمت امامان دوازده‌گانه. همچنین طی بررسی انجام‌شده، کتاب مستقلی در این زمینه و با رویکرد مورد نظر تاکنون چاپ نشده است. البته تفاسیر نکاتی آورده‌اند اما منسجم و مسئله‌محور نبوده است. به هر حال برای بررسی پیشینه موضوع، بیش از ده عنوان از کتب تفسیری سنی و شیعی مورد کاوش قرار

گرفته و با توجه به عنوان تحقیق که علاوه بر مباحث تفسیری و روایی، بحث کلامی نیز در آن دخیل می‌باشد، تفاسیری انتخاب شده که جامع بوده و دارای صبغه کلامی نیز باشند. با این کار، در واقع نظریات متکلمین فریقین مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۱-۲-۱. بررسی پیشینه موضوع در تفاسیر اهل سنت

تفاسیر منتخب اهل سنت عبارت‌اند از: *مفاتیح الغیب* فخر رازی، *کشاف زمخشری*، *روح المعانی* آلوسی، *فتح القدير* شوکانی و *تفسیر مراغی*. نتایج بررسی‌ها به شرح زیر است:

فخر رازی در تفسیر آیه ۵۶ سوره احزاب، ضمن ذکر حدیث پیامبر ﷺ درباره چگونگی صلوات بر ایشان، پیرامون معنی کیفیت «الصَّلَاة» خداوند، فرشتگان و مؤمنان و تفاوت بین آن‌ها، وجوب صلوات بر پیامبر ﷺ در تشهد نماز و امر خداوند به پیامبر ﷺ جهت صلوات بر مؤمنان در عوض صلوات آن‌ها، بحث‌هایی مطرح نموده ولی به‌رغم اشاره به احادیث مورد بحث، در تبیین مقصود حدیث اقدامی نکرده است. (فخر رازی، ۱۴۰۱ق، ج ۲۵، ص ۱۸۲)

زمخشری در *تفسیر الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بعد از ذکر وجوهی از قرائت آیه، درباره وجوب صلوات در هنگام بردن نام پیامبر ﷺ دو حدیث ذکر نموده و سپس درباره وجوب آن در نماز از نظر ابوحنیفه و شافعی مطالبی را مطرح کرده است؛ اما به حدیث مورد بحث اشاره‌ای ننموده و لذا تفسیری نیز درباره آن ارائه نکرده است. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۵۸)

شهاب‌الدین آلوسی در *تفسیر روح المعانی*، ضمن اشاره به احادیث مختلف در رابطه با آیه ۵۶ سوره احزاب و از جمله حدیث مورد بحث، بعد از سخن درباره معنی صلوات نسبت به خدا، فرشتگان و مؤمنان، درباره وجوب صلوات در نماز، وجوه قرائت آیه، عدم درک حقیقت تعظیم شایسته پیامبر ﷺ، لزوم اطاعت و عدم مخالفت با اوامر پیامبر ﷺ و... مطالبی را ذکر نموده ولی مانند دیگر مفسران اهل سنت نسبت به شرح حدیث پیامبر ﷺ اقدامی نکرده است. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲۲، ص ۷۵-۸۷)

شوکانی در فتح القدير پس از ذکر وجوه قرائت آیه، روایاتی درباره معنی صلوات نسبت به خدا، فرشتگان و مؤمنان آورده و بعد از آن، درباره وجوب صلوات بر پیامبر ﷺ در هنگام ذکر نام ایشان و در تشهد نماز، فتوا و اقوال مختلف را بیان و در رابطه با فضیلت صلوات بر پیامبر ﷺ، جواز یا عدم جواز صلوات بر غیر ایشان، مطالبی را ارائه می‌کند. سپس کلام خود را با ذکر حدیث مورد بحث و طرق روایی آن پایان می‌دهد. (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۴۵-۳۴۹)

مراغی بعد از ذکر معانی صلوات نسبت به خدا، فرشتگان و مؤمنان، بر لزوم متابعت و انقیاد از امر پیامبر ﷺ با توجه به معنی آیه، تأکید کرده و سپس به ذکر حدیث مورد نظر می‌پردازد اما توضیحی درباره مفهوم حدیث ارائه نمی‌کند. (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۲، ص ۳۳)

علاوه بر تفاسیری که مفاد آن‌ها ذکر شد، تفاسیر دیگر اهل سنت نیز (مانند محاسن التأویل قاسمی، فی ضلال القرآن سید قطب، التفسیر الوسیط طنطاوی و...) با اینکه حدیث مورد بحث را ذکر کرده‌اند، شرحی درباره آن ارائه نکرده‌اند. نکته جالب اینجاست که در بین علمای اهل سنت، تنها شخصی که به شرح حدیث اقدام نموده «ابن تیمیه» در منهاج السنة النبویة (۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۲۳۹-۲۴۰) است که نقل و نقد آراء او در ادامه خواهد آمد.

۲-۲-۱. بررسی پیشینه موضوع در تفاسیر شیعی

تفاسیر منتخب شیعه در این تحقیق عبارت‌اند از: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، التبیان فی تفسیر القرآن، المیزان فی تفسیر القرآن، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن و تفسیر نمونه. نتایج بررسی‌ها بدین شرح است:

شیخ طوسی پس از پرداختن به معنی صلوات در مورد خدا، فرشتگان و مؤمنان، به ذکر حدیث مورد بحث و لزوم اطاعت از پیامبر ﷺ پرداخته و هیچ‌گونه مطلبی در توضیح این روایت تفسیری ارائه نمی‌کند. (طوسی، ۱۳۷۱ش، ج ۸، ص ۳۵۹)

ابوالفتوح رازی بعد از ذکر وجوهی از قرائت آیه، حدیث مورد بحث را ذکر کرده و سپس کلام خود را با ذکر روایت دیگری درباره لزوم صلوات بر پیامبر ﷺ هنگام بردن نام ایشان خاتمه می‌دهد. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۶، ص ۱۶)

طبرسی بعد از ذکر وجهی شاذ از قرائت آیه، فقط به ذکر حدیث مورد بحث پرداخته و درباره آن توضیحی ارائه نمی‌دهد. سپس روایاتی در فضیلت صلوات بر پیامبر ﷺ آورده و کلام خود را خاتمه می‌دهد. (طبرسی، ۱۳۸۴، ج ۸، ص ۱۷۸-۱۸۰)

علامه طباطبایی بعد از پرداختن به معنی صلوات، به ذکر حدیث مورد بحث پرداخته و می‌گوید: «ثمانی عشرة حدیثا غیر هذه الروایة تدل علی تشریک آل النبی معه فی الصلاة روتها أصحاب السنن والجوامع عن عدة من الصحابة منهم ابن عباس و طلحة و أبوسعید الخدری و أبوهریرة و أبومسعود الأنصاری و بريدة و ابن مسعود و کعب بن عجرة و علی علیه السلام و أما روایات الشيعة فهي فوق حد الاحصاء.» اما در نهایت به توضیح حدیث و نتیجه‌گیری از آن نمی‌پردازد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۳۴۳-۳۴۴)

آیت‌الله مکارم شیرازی بعد از ارائه معنی صلوات، به تبیین تفاوت بین واژه‌های «صَلُّوا» و «سَلَّمُوا» پرداخته و سپس به ذکر روایت مورد بحث از منابع شیعه و سنی اقدام نموده و در پایان، فتوا و اقوال بزرگان شیعه و سنی را درباره وجوب صلوات بر پیامبر ﷺ در تشهد نماز ذکر کرده است. ایشان نیز بدون واکاوی حدیث مذکور کلام خود را خاتمه داده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۷، ص ۴۴۴-۴۴۹)

علاوه بر تفاسیر فوق، تفاسیر شیعه دیگری نیز مورد بررسی قرار گرفت (کنز الدقائق و بحر الغرائب مشهدی، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین شبر، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة شرف‌الدین، من هدی القرآن مدرسی، تفسیر نور قرائتی و...)، اما مطلبی اضافه بر آنچه در تفاسیر قبلی توضیح داده شد، در آن‌ها ارائه نشده بود.

در بررسی انجام‌شده در برخی کتب کلامی شیعه از قبیل الارشاد شیخ مفید، تلخیص الشافی شیخ طوسی، الشافی فی الامامة سید مرتضی، کشف الغمة شیخ اربلی و... نیز برای اثبات افضلیت و عصمت اهل بیت ﷺ دلایل عقلی و نقلی بسیاری نقل شده، اما در این زمینه، استنادی به آیات و روایات مربوط به حدیث صلوات نشده است. فقط شیخ علی بن یونس عاملی بیاضی، متکلم و مفسر امامی قرن نهم، در کتاب الصراط المستقیم إلى مستحقی التقدیم، با استناد به آیه و روایت صلوات، ولایت والیان

بعد از پیامبر ﷺ را استنباط کرده و گفته است: «قول النبی: قولوا اللهم صل علی محمد و آل محمد. اى اسألوا الله أن یقیم له ولایة و لایة یتبع بعضهم بعضا كما كان فى آل إبراهیم.» (بیاضی، ۱۳۸۴ق، ج ۱، ص ۱۹۱)

با توجه به مطالب گفته شده، بررسی سوابق مطالعاتی موضوع، نشان دهنده جدید بودن آن در بین پژوهش های صورت گرفته است. در واقع تاکنون تحقیقی با رویکرد پژوهشی منظور شده در این تحقیق، درباره تبیین ویژگی های اهل بیت (علیهم السلام) بر اساس تفسیر مآثور آیه ۵۶ سوره احزاب انجام نشده است. بنابراین تبیین این ویژگی ها هدف اصلی این پژوهش است که به صورت «جستاری تطبیقی در تبیین ویژگی های اهل بیت پیامبر ﷺ در آیینة حدیث صلوات» مطرح شده است.

۱-۳. چهارچوب نظری تحقیق

در این بخش ابتدا به شرح و تبیین روایت مورد بحث بر اساس سؤالات مطرح شده در مقدمه پرداخته شده، سپس مصادیق اهل بیت (علیهم السلام) با استفاده از آیات قرآن کریم و منابع روایی معتبر تبیین گردیده و سرانجام، شبهات مربوط مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. بدون شک، آیه کریمه صلوات بر پیامبر اکرم ﷺ، بر عظمت مقام و منزلت ایشان و شخصیت والا و بالای آن حضرت نزد خداوند متعال و فرشتگان مقرب الهی دلالت می کند. اصولاً درود فرستادن خداوند به فرد یا افرادی به معنای شمول رحمت خاص الهی نسبت به آنان است. این رحمت ویژه به دلیل شایستگی خاصی است که از حیث کمالات انسانی و ایمانی در پیشگاه خداوند دارند؛ چنان که خداوند از مؤمنان خواسته است که بسیار به یاد خدا باشند و در صبح و شام (پیوسته) خدا را تسبیح گویند، این کار این شایستگی را در آنان پدید می آورد که خدا و فرشتگان او بر آنان درود بفرستند تا آنان را از ظلمت ها به نور رهنمون گرداند؛ زیرا خداوند نسبت به مؤمنان رحمت ویژه دارد: «یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکراً کثیراً* و سبّحوه بُکرةً و اصیلاً* هو الذی یصلی علیکم و ملائکته لیخْرِجکم من الظلماتِ اِلَى النورِ و کانَ بِالْمُؤْمِنِینَ رَحِیمًا.» (احزاب: ۴۱-۴۳)

در آیه ۵۶ سوره احزاب، مؤمنان امر به صلوات بر رسول ﷺ شده و اطاعت از این امر، همان طور که در تفاسیر نیز بدان اشاره شد، امری واجب است. وقتی مسلمانان

عصر نزول وحی، برای امتثال این امر الهی از پیامبر ﷺ درباره کیفیت صلوات بر او را سؤال کردند، ایشان فرمودند: «قُولُوا لِلَّهِمْ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَ بَارَكْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۱۲۰؛ قشیری نیشابوری، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۳۰۵ و...) هر چند که در آیه ۵۶ فقط امر به فرستادن صلوات بر پیامبر ﷺ شده، اما ایشان در روایت ذکر شده، اهل بیت ائمه خود را نیز در این موضوع شریک دانسته و صلوات بر آنها را نیز شامل دستور الهی دانسته‌اند. ابن حجر مکی درباره این رابطه گفته است: «اینکه پیامبر اکرم ﷺ در پاسخ سؤال از کیفیت فرستادن صلوات بر آن حضرت فرمود بگوئید اللهم صل علی محمد و علی آل محمد، دلیل روشنی است بر اینکه امر به صلوات بر آل پیامبر در آیه شریفه مقصود بوده است، و صلوات بر آنان جزء مأمور به می‌باشد، و پیامبر ﷺ آل خود را در مقام خود قرار داده است؛ زیرا مقصود از صلوات بر پیامبر ﷺ فزونی تعظیم آن حضرت است، و تعظیم آل نیز ناشی از آن می‌باشد. بدین جهت است که هنگامی که آنان را در کساء جای داد گفت: "خدایا آنان از من و من از آنان هستم، پس صلوات، رحمت، مغفرت و رضوان خود را بر من و بر آنان قرار بده"، مقتضای اجابت این دعای پیامبر ﷺ آن بود که خداوند آنان را در صلوات ویژه خود بر پیامبر ﷺ، با آن حضرت همراه ساخت، در این هنگام از مؤمنان خواست که همراه با صلوات بر پیامبر، بر آل او هم صلوات بفرستند، و نیز روایت شده که پیامبر ﷺ فرمود بر من صلوات بتراء (بی دنباله و ناقص) نفرستید، پرسیدند صلوات بتراء کدام است؟ فرمود: اینکه بگوئید اللهم صل علی محمد و توقف کنید، بلکه بگوئید: اللهم صل علی محمد و علی آل محمد.» (هیتمی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۳۰)

در صلوات بر پیامبر ﷺ، با توجه به جایگاه ایشان و رسالت الهی که بر عهده داشتند بحثی وجود ندارد. اما سه سؤال اصلی در اینجا وجود دارد که پاسخ به آنها از جهاتی بسیار مهم است. اول اینکه خاندان رسول اکرم ﷺ دارای چه ویژگی‌هایی بوده‌اند که شایسته چنین تعظیمی هستند؟ همچنین منظور از «آل محمد ص» در این روایت— چنان که برخی تصور کرده‌اند^۳— آیا همه فرزندان، نوادگان، همسران و حتی بستگان

پیامبر ﷺ مانند بنی عباس نیز می‌باشند و یا خیر؟ سوم اینکه اگر شامل عده خاصی از نزدیکان پیامبر ﷺ می‌شود، این افراد چه کسانی هستند؟

۴-۱. بررسی سؤالات تحقیق

۱-۴-۱. تبیین ویژگی‌های اهل بیت پیامبر ﷺ

اگر به حدیث ذکرشده از پیامبر ﷺ در این رابطه رجوع شود، پاسخ سؤال اول در متن حدیث مورد بحث وجود دارد. رسول خدا ﷺ همانند بودن ویژگی‌های خاندان خود به خاندان ابراهیم را وجه شریک دانستن آن‌ها در امر آیه ۵۶ سوره احزاب برشمرده و می‌فرماید: «كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ إِبرَاهِيمَ وَ آلِ إِبرَاهِيمَ... كَمَا بَارَكْتَ عَلَيَّ إِبرَاهِيمَ وَ آلِ إِبرَاهِيمَ». به عبارت دیگر یعنی خاندان پیامبر ﷺ دارای ویژگی‌هایی شبیه خاندان ابراهیم بوده‌اند که شایسته چنین تعظیمی شده‌اند. لذا برای بررسی و پی بردن به ویژگی‌های خاندان پیامبر ﷺ ابتدا باید ویژگی‌های خاندان ابراهیم (علیه السلام) که در قرآن کریم به آن پرداخته شده، بررسی شود؛ این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

الف. صاحبان عصمت و برگزیده‌شدگان از جانب خدا

قرآن کریم در آیه ۳۳ سوره آل عمران درباره یکی از ویژگی‌های آل ابراهیم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ». واژه «اصطفاء» به معنی اختیار و گزینش (فخر رازی، ۱۴۰۱ق، ج ۸، ص ۲۰۰) بوده و باب اِفْتِعَال از ریشه «الصَّفْوَة» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۴۶۳؛ ازهری، ۲۰۰۱م، ج ۱۲، ص ۱۷۴) می‌باشد که در لغت به معنای «خُلُوصٍ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۳، ص ۲۹۲) است. لذا در واقع واژه «اصطفاء» به معنی گزینش همراه با خلوص است. طبرسی در این باره می‌گوید: «فمثل الله تعالى خلوص هؤلاء القوم من الفساد بخلوص الصافي من شائب الأدناس.» (طبرسی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۷۷) به همین دلیل نمی‌توان کلمه اصطفاء را فقط به معنای گزینش و اختیار گرفت؛ زیرا در آن صورت باید بفرماید: «ان الله اصطفی... من العالمین.» اما موضوع آیه «اصطفی علی العالمین» بوده و این نوعی اختیار و برگزیدن آنان در اموری است که دیگران با آنان در این امور شریک نیستند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۶۵) فخر رازی اختیار آل ابراهیم بر عالمین را ناشی از «نفس قدسی» آن‌ها دانسته که با سایر نفوس متفاوت

است. او در ادامه می‌گوید: «وَمِنْ لَوَازِمِ تِلْكَ النَّفْسِ الْكَمَّالِ فِي الذِّكَا، وَالْفِطْنَةِ، وَالْحُرِّيَّةِ، وَالِاسْتِغْلَاءِ، وَالْتَرَفُّعِ عَنِ الْجِسْمَانِيَّاتِ وَالشَّهَوَاتِ، فَإِذَا كَانَتْ الرُّوحُ فِي غَايَةِ الصَّفَاءِ وَالشَّرَفِ، وَكَانَ الْبَدَنُ فِي غَايَةِ النِّقَاءِ وَالطَّهَارَةِ.» (فخر رازی، ۱۴۰۱ق، ج ۸، ص ۲۰۰) معنای سخن فخر رازی این است که صاحب نفس قدسی چیزی بیش از «عصمت از گناه» را دارا بوده و در واقع عصمت نیز از لوازم آن است. او در نهایت معنی واژه عبارت «اصطفی علی العالمین» را برگزیده شده از جانب خدا بر تمام خلق دانسته و می‌گوید: «مَعْنَا: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اصْطَفَى آدَمَ إِمَامًا مِنْ سَكَّانِ الْعَالَمِ السُّفْلِيِّ... أَوْ مِنْ سَكَّانِ الْعَالَمِ الْعُلْوِيِّ.» (همان‌جا)

اما یکی دیگر از آیاتی که بر اساس آن می‌توان عصمت خاندان ابراهیم ﷺ را از آن استخراج کرد، آیه ۱۲۴ سوره بقره است که می‌فرماید: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ.» واژه «الظَّالِمِينَ» در این آیه بدون هیچ گونه قیدی ذکر شده و لذا اعم از هر ظلمی است، چه شرک و کفر باشد^۴ و چه معصیت که ظلم به نفس است.^۵ فخر رازی نیز ظلم مطرح شده در آیه را مطلق دانسته و می‌گوید: «الْمَذْكُورُ فِي الْآيَةِ هُوَ الظُّلْمُ الْمُطْلَقُ.» (همان، ج ۴، ص ۳۷) لذا امامتی را که به ابراهیم ﷺ اعطا شد، دلیل بر عصمت او دانسته و گفته است: «قَوْلُهُ: إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا يَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ مَعْصُومًا عَنْ جَمِيعِ الذُّنُوبِ لِأَنَّ الْإِمَامَ هُوَ الَّذِي يُؤْتَمُّ بِهِ وَيَقْتَدَى.» (همان، ص ۳۶) ابراهیم ﷺ چنین امامتی را از خداوند برای ذریه‌اش درخواست کرد و در پاسخ گفته شد: «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ.» از اینجا مشخص می‌شود که همه فرزندان و ذریه ابراهیم ﷺ معصوم نبوده و لذا شایستگی امامت امت را نداشته‌اند. بیضاوی در این خصوص می‌گوید: «تنبیه علی أنه قد یكون من ذریته ظلمة وأنهم لا ینالون الامامة.» (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۹۸) در واقع این پاسخی برای سؤال دوم تحقیق است.

ب. صاحبان کتاب، حکمت و ملک

قرآن کریم در آیه ۵۴ سوره نساء، برخی دیگر از ویژگی‌های خاندان ابراهیم ﷺ را برمی‌شمارد و می‌فرماید: «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا.» در تفسیر این آیه شریفه از امام صادق ﷺ حدیثی در کافی با سند «حسن»^۶ نقل شده که

فرمودند: «عن حمران بن أعین قال قلت لأبی عبد الله علیه السلام قول الله عز وجل: "فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ" فقال النبوة قلت "الْحِكْمَةَ" قال الفهم والقضاء قلت "وَأَتَيْنَاهُمُ مُلْكًا عَظِيمًا" فقال الطاعة.» (کلینی، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۵۱۱) ایشان منظور از «الکتاب»، «حکمت» و «ملک عظیم» در آیه مورد بحث را نبوت، فهم و قضاء، و طاعت معنا کرده‌اند.

فخر رازی در تفسیر خود، قریب به همین مضمون را از آیه استنباط کرده و گفته است: «وَأَعْلَمُ أَنَّ الْكِتَابَ إِشَارَةٌ إِلَى ظَوَاهِرِ الشَّرِيعَةِ وَالْحِكْمَةَ إِشَارَةٌ إِلَى أُسْرَارِ الْحَقِيقَةِ، وَذَلِكَ هُوَ كَمَالُ الْعِلْمِ، وَأَمَّا الْمُلْكُ الْعَظِيمُ فَهُوَ كَمَالُ الْقُدْرَةِ... فَهَذَا الْكَلَامُ تَنْبِيهُ عَلَى أَنَّهُ سُبْحَانَهُ أَتَاهُمْ أَفْصَى مَا يَلِيقُ بِالْإِنْسَانِ مِنَ الْكَمَالَاتِ.» (فخر رازی، ۱۴۰۱ق، ج ۱۰، ص ۱۰۵) او مراد از «الکتاب»، «حکمه» و «ملک عظیم» در آیه را علم به ظواهر دین، دانستن اسرار حقیقت و کمال قدرت دانسته و این فضایل و کمالات را برترین فضایل و کمالاتی دانسته که ممکن است به انسانی اعطا شود.

شاید این ایراد گرفته شود که آل پیامبر ﷺ مانند ایشان صاحب مقام نبوت نبوده‌اند. در پاسخ باید گفت نمی‌توان معنای «الکتاب» را منحصر در «نبوت» دانست. چنان‌که فخر رازی آن را علم به ظاهر شریعت معنا کرده است. همچنین وقتی گفته شود «آل فلان»، همان شخص نیز داخل در آن‌هاست. چنان‌که ابراهیم علیه السلام داخل در خطاب آیه «رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ» (هود: ۷۳) و لوط علیه السلام نیز داخل در خطاب آیه «إِنَّا آتَيْنَا آلَ لُوطٍ نَجَاتِنَاهُمْ» (قمر: ۳۴) است، و داخل شدن یک نفر در یک جمع کافی است تا آن جمع را با آن ویژگی بخوانند. چنان‌که سلیمان علیه السلام صاحب ملک عظیم است، اما آل ابراهیم علیه السلام با این ویژگی خطاب شده‌اند. همان‌گونه که آل محمد علیه السلام را به واسطه حضرت مهدی علیه السلام می‌توان با این ویژگی خطاب کرد.^۷

ج. امامان هدایت به امر خدا

قرآن کریم در آیه ۷۳ سوره انبیاء، بعد از ذکر فضایل حضرت ابراهیم علیه السلام و اهل بیت پاک ایشان می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا.» برخی از مفسران و از جمله فخر رازی در خصوص عبارت «يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» گفته‌اند که مراد از آیه، هدایت مردم به دین خدا و به اذن اوست. (فخر رازی، ۱۴۰۱ق، ج ۲۲، ص ۱۶۱) به عبارت دیگر،

هدایت تشریحی را منظور آیه دانسته‌اند. اما برخی از مفسران مانند علامه طباطبایی، این هدایت را هدایت تکوینی دانسته و می‌گویند این هدایت که خدا آن را از شئون امامت قرار داده، هدایت به معنای راهنمایی تنها نیست؛ چون خدا وقتی ابراهیم علیه السلام را امام قرار داد که سال‌ها دارای منصب نبوت بود و نبوت منفک از منصب هدایت به معنای راهنمایی نیست؛ لذا منظور از این هدایت خاص، یک نوع تصرف تکوینی در نفوس است. به عبارت دیگر، سخن آیه فقط نشان دادن راه نیست، بلکه رساندن به مقصد است. از سوی دیگر چون این تصرفی تکوینی است، امری که با آن هدایت صورت می‌گیرد نیز امری تکوینی خواهد بود و منصب امامت به این معنا، رابط میان مردم و پروردگارشان در اخذ فیوضات ظاهری و باطنی است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۳۰۴) برخی دیگر مانند آیت‌الله مکارم شیرازی بین هر دو نظر قبلی جمع کرده و معتقدند مانعی وجود ندارد که «امر» در آیه مورد بحث به معنی وسیع کلمه در نظر گرفته شود تا هم «امر تکوینی» و هم «تشریحی» را در بر گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۷، ص ۱۶۸) اما نکته مسلم در آیه این است که چه هدایت ذکر شده در آیه تکوینی فرض شود، چه تشریحی و یا هر دو، باید به امر و اذن الهی باشد. آل ابراهیم «به امر خدا» مسئولیت هدایت مردم را بر عهده داشتند و این یکی از ویژگی‌های این خاندان بوده که در واقع برای خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز مصداق دارد.

با توجه به مطالب ارائه شده، ویژگی‌های خاندان ابراهیم علیه السلام بر اساس آیات قرآن کریم عبارت‌اند از: ۱. صاحبان عصمت‌اند؛ ۲. برگزیده شده از جانب خدا بر تمام خلق‌اند؛ ۳. صاحبان کتاب، حکمت و ملک عظیم‌اند؛ ۴. به امر خدا امامان هدایت‌اند. این ویژگی‌ها سبب نزول رحمت و برکات الهی^۸ بر این خاندان شده و شایسته صلوات خداوند شده‌اند. با توجه به حدیث مورد بحث، همین ویژگی‌ها برای خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز قابل انطباق است. اما موضوع بعدی تبیین مصداق اهل بیت بر اساس این ویژگی‌هاست.

۱-۲-۴. آیه تطهیر و احادیث مربوط به آن

آیه تطهیر به بخشی از آیه سی و سوم سوره احزاب^۹ اشاره دارد که خداوند در آن به

پاکی اهل بیت پیامبر ﷺ از هر گونه رجسی شهادت می‌دهد. «رجس» در لغت به معنای پلیدی و ناپاکی است (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۴۹۰) که طبعاً یکی از مصادیق آن گناه است؛ لذا عالمان و مفسران شیعه مثل مفید در *المسائل العکبریة* (۱۴۱۳ق، ص ۲۷)، قاضی نورالله شوشتری در *الصوارم المهرقة* (۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۱۴)، علامه طباطبایی در *المیزان* (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۳۱۳) و... پاک کردن اهل بیت ﷺ از رجس را به معنای عصمت از گناهان دانسته‌اند. از مفسران اهل سنت نیز، فخر رازی آن را به معنای پاکی از گناه دانسته و گفته است: «لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسُ أَي يَزِيلُ عَنْكُمْ الذُّنُوبَ وَيَطَهِّرْكُمْ أَي يَلْبِسْكُمْ خِلْعَ الْكِرَامَةِ» (۱۴۰۱ق، ج ۲۵، ص ۱۶۸) در روایت صحیحی^{۱۱} از پیامبر ﷺ نیز نقل شده است: «فَأَنَا وَأَهْلُ بَيْتِي مُطَهَّرُونَ مِنَ الذُّنُوبِ» (بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۷۱) همان طور که گفته شد، یکی از ویژگی‌های خاندان ابراهیم ﷺ عصمت از گناه بوده که شامل همه ذریه ایشان نمی‌شود. در واقع شاخص اصلی برای شناسایی مصادیق اهل بیت پیامبر ﷺ همین خصیصه به شمار می‌رود و افرادی را که صاحب این ویژگی نباشند، نمی‌توان مصداق اهل بیت، در حدیث مورد بحث دانست. در واقع عصمت، شرط لازم برای تشخیص اهل بیت پیامبر ﷺ محسوب می‌شود. حال باید دید در روایات وارده چه کسانی مشمول آیه تطهیر بوده‌اند.

مسلم در کتاب صحیح خود از عایشه روایت کرده است: «خَرَجَ النَّبِيُّ صَ غَدَاةً وَعَلَيْهِ مِرْطٌ مَرْحَلٌ، مِنْ شَعْرٍ أَسْوَدَ، فَجَاءَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ فَأَدْخَلَهُ، ثُمَّ جَاءَ الْحُسَيْنُ فَدَخَلَ مَعَهُ، ثُمَّ جَاءَتْ فَاطِمَةُ فَأَدْخَلَهَا، ثُمَّ جَاءَ عَلِيُّ فَأَدْخَلَهُ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّمَا يَرِيذُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ...» (قشیری نیشابوری، ۱۴۲۶ق، ج ۴، ص ۱۸۸۳) همچنین او بعد از ذکر حدیث ثقلین از زید بن ارقم نقل می‌کند که وقتی از او سؤال شد آیا زنان پیامبر ﷺ هم جزء اهل بیت ایشان هستند؟ پاسخ داد: «لَا، وَأَيُّمُ اللَّهِ إِنَّ الْمَرْأَةَ تَكُونُ مَعَ الرَّجُلِ الْعَصْرَ مِنَ الدَّهْرِ، ثُمَّ يَطْلُقُهَا فَتَرْجِعُ إِلَى أَبِيهَا وَ قَوْمِهَا أَهْلُ بَيْتِهِ أَصْلُهُ، وَ عَصْبَتُهُ الَّذِينَ حُرِّمُوا الصَّدَقَةَ بَعْدَهُ.» (همان، ج ۴، ص ۱۸۸۴)

ترمذی به سند صحیح^{۱۱} از عُمَرُ بْنُ أَبِي سَلَمَةَ روایت کرده است: «نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى النَّبِيِّ ص فِي بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ، فَدَعَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ فَاطِمَةَ وَ حَسَنًا وَ حُسَيْنًا فَجَلَّلَهُمْ بِكِسَاءٍ وَ عَلِيٌّ خَلْفَ ظَهْرِهِ فَجَلَّلَهُ بِكِسَاءٍ ثُمَّ قَالَ: "اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي

فَأَذْهَبَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً" قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: وَ أَنَا مَعَهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: "أَنْتِ عَلَيَّ مَكَانِكَ وَ أَنْتِ إِلَيَّ خَيْرٌ". (ترمذی، ۱۳۹۵ق، ج ۵، ص ۶۶۲) همین حدیث را به سند صحیح^{۱۲} دیگری احمد بن حنبل در مسند خود ذکر کرده است. (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۴۴، ص ۱۱۹) این احادیث نیز به صراحت زنان پیامبر ﷺ را شامل آیه تطهیر ندانسته‌اند.

۳-۴-۱. تعداد خاندان پیامبر ﷺ در روایات فریقین

همان طور که درباره معنای واژه «آل» (خاصان هر شخص) و ویژگی‌های خاندان ابراهیم علیه السلام ذکر شد، منظور از خاندان ابراهیم علیه السلام که مورد رحمت و برکات خاص خداوندی (صلوات) قرار گرفته‌اند، معصومین از ذریه آن حضرت بوده که به امر خدا امامان هدایت امت خود شده‌اند. خاندان و اهل بیت به این معنا، شامل ذریه معصوم، صاحب علم و حکمت، برگزیده از جانب خدا و امام امت بودن می‌شود؛ نه اشخاص دیگری که از نسل ابراهیم علیه السلام یا محمد صلی الله علیه و آله و سلم نبوده و یا اگر بوده‌اند ویژگی‌های دیگر از قبیل عصمت، حکمت و... را نداشته‌اند. یکی از این معیارها برای شناخت مصادیق اهل بیت علیهم السلام، امام امت بودن و ارث بردن منصب هدایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

روایت صحیحی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به طرق مختلف در صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داوود و سنن ترمذی (با اندکی اختلاف در لفظ) نقل شده است که فرمودند: «لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ عَزِيزًا مَبِيعًا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً ... كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ». (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۸۱؛ قشیری نیشابوری، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۱۴۵۳؛ ابو داود، ۲۰۱۰م، ج ۴، ص ۱۰۶؛ ترمذی، ۱۳۹۵ق، ج ۴، ص ۵۰۱) همین روایت در منابع شیعه نیز به طرق مختلفی نقل شده که کلینی تعداد قابل توجهی از آنها را در باب «ما جاء فی الاثنی عشر والنص علیهم، علیهم السلام» آورده است. (کلینی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۶۷۷) لذا علامه مجلسی در این باره می‌گوید: «أخبار الاثنی عشر إماما و خلیفة متواترة من طرق الخاصة والعامة». (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۳۲)

عالمان اهل سنت هرچند در جهت یافتن این دوازده نفر تلاش بسیار کرده‌اند، نتوانسته‌اند در این باره مصادیق قابل قبولی ارائه دهند. ابن جوزی در کشف المشکل من حدیث الصحیحین در این خصوص می‌گوید: «هَذَا الْحَدِيثُ قَدْ أَطْلَتِ الْبَحْثُ عَنْهُ،

و طلبته مظانه، و سَأَلَتْ عَنْهُ، فَمَا رَأَيْتَ أَحَدًا وَقَعَ عَلَى الْمَقْصُودِ بِهِ» (۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۵۰) ابن حجر عسقلانی و بدرالدین عینی نیز به نقل از مُهَلَّب می گویند: «لَمْ أَلْقَ أَحَدًا يَقْطَعُ فِي هَذَا الْحَدِيثِ يَعْني بِشَيْءٍ مُعَيَّنٍ» (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ج ۱۳، ص ۲۱۱؛ عینی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۴، ص ۲۸۱) در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که «فَالَّذِي يَغْلِبُ عَلَيْهِ الظَّنُّ أَنَّهُ إِنَّمَا أَرَادَ أَنْ يَخْبِرَ بِأَعْجَابٍ مَا يَكُونُ بَعْدَهُ مِنَ الْفِتَنِ» (همان‌جا) نتیجه مذکور حاصل بی توجهی به روایات متواتر و صحیحی است که از پیامبر ﷺ متفقاً نقل شده که بارزترین آن‌ها حدیث ثقلین است. این حدیث به نقل‌های مختلفی روایت شده که در آن‌ها از لفظ «الثَّقَلَيْنِ»، «أَمْرَيْنِ» و «الْخَلِيفَتَيْنِ» استفاده شده است. برای مثال، طبرانی با سند صحیح از پیامبر ﷺ روایت کرده است که فرمودند: «إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ الْخَلِيفَتَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعَتْرَتِي، وَإِنَّهُمَا لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» (طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۵۴) بر اساس این حدیث باید خلفای دوازده‌گانه پیامبر ﷺ را در عترت و اهل بیت پیامبر ﷺ جستجو کرد. در این صورت، مصادیق اهل بیت به راحتی قابل تشخیص خواهد بود. شایان ذکر است که تنها امامیه شرح واضح و بدون عیبی از این حدیث ارائه کرده‌اند. علامه مجلسی در این باره می‌گوید: «اجتمعت الأمة على أنه لم يقل بهذا العدد من الخلفاء غير الامامية فتدل على حقية مذهبهم و هذا بين بحمد الله» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۳۲)

امامان دوازده‌گانه شیعه که از ذریه رسول اکرم ﷺ بوده و هر کدام در عصر خود به شهادت حتی مخالفین، عالم‌ترین مردم به کتاب و حکمت بوده‌اند، مصادیق اصلی اهل بیت پیامبر ﷺ هستند که با توجه به صراحت حدیث کساء در داخل بودن حضرت زهرا علیها السلام در جمع اهل بیت و همچنین خود پیامبر ﷺ، تعداد آن‌ها چهارده تن است.

۱-۴-۴. بررسی شبهات مطرح شده از سوی ابن تیمیه درباره حدیث صلوات

همان‌طور که گفته شد در بین علمای اهل سنت، تنها شخصی که به شرح حدیث، آن‌هم به قصد انکار فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و رد عقاید شیعه پرداخته، ابن تیمیه است. مضمون سخن او در کتاب منهاج السنة النبویة این است که «همه بنی هاشم مثل فرزندان عباس بن عبدالمطلب، همسران پیامبر ﷺ و دختران ایشان داخل در قول

صلوات می‌باشند. همان گونه که در صحیحین نقل شده که «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ»؛ و همان گونه که عمار و مقداد و ابوذر داخل بر صلوات نشده‌اند؛ با اینکه افضل بر عقیل و عباس هستند، لذا داخل بودن علی (علیه السلام) در صلوات دلالت بر افضلیت او بر کسانی که داخل در صلوات نشده‌اند نیست.» (ابن تیمیه، ۴۰۶ق، ج ۷، ص ۲۳۹-۲۴۰)

در پاسخ این ادعا باید گفت اولاً استناد به حدیث ذکرشده توسط ابن تیمیه (اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ) از جهتی مخدوش است؛ زیرا قرآن کریم در آیه ۲۳ سوره احزاب می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي يَصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا.» به عبارت دیگر، صلوات الهی شامل همه مؤمنان است. اما نکته مهم این است که آیا کیفیت صلواتی که خداوند بر پیامبر ﷺ نازل می‌کند با کیفیت صلواتی که خداوند بر سایر مؤمنان نازل می‌کند، یکی است؟ مسلماً این گونه نیست و بسته به کمالات هر فرد، رحمت و صلواتی که خداوند بر او نازل می‌کند، متفاوت از افراد دیگر است؛ چنان که در آیه ۳ سوره هود می‌فرماید: «وَيُوتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ.» بحث در اینجا آن نوع از صلوات است که خداوند بر ابراهیم (علیه السلام) و خاندانش به واسطه ویژگی‌های آن‌ها نازل فرمود، نه صلواتی که بر سایر مؤمنین نازل می‌شود. لذا حدیثی که ابن تیمیه به آن استناد کرده، قیاس مع الفارق است و ربطی به حدیث مورد بحث ندارد.

ثانیاً همانندی خاندان پیامبر ﷺ به خاندان ابراهیم وجه تشابه در حدیث صلوات است. بسیاری از ذریه ابراهیم (علیه السلام) فاسق بوده و شایسته صلوات خدا نبوده‌اند؛ چنان که قرآن کریم در آیه ۲۶ سوره حدید می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ.» لذا مراد از آل ابراهیم (علیه السلام) پاکان و معصومین از ذریه ایشان هستند نه همه آن‌ها. به همین ترتیب نمی‌توان گفت همه ذریه پیامبر ﷺ نیز داخل در صلوات خاص بر ایشان می‌باشند، بلکه منظور از آل پیامبر ﷺ کسانی هستند که دارای ویژگی‌های خاندان ابراهیم (علیه السلام) بوده که عبارت‌اند از چهارده نفر.

ثالثاً یکی از ویژگی‌های آل ابراهیم (علیه السلام) برگزیده بودن بر همه خلق است که همین

ویژگی برای خاندان پیامبر ﷺ قابل احصاست. لذا برخلاف تصور ابن تیمیه، داخل شدن در این نوع صلوات، دلیل بر برتری این افراد بر سایر کسانی است که داخل در صلوات نشده‌اند.

۲. نتیجه‌گیری

در اثبات جایگاه علمی و معنوی اهل بیت پیامبر ﷺ به عنوان جانشینان برحق ایشان، استناد به آیات قرآن کریم و روایات نبوی متفق علیه به عنوان میراث مشترک فریقین، حجتی قاطع محسوب می‌شود. آیه ۵۶ سوره احزاب و حدیث صحیح و متفق علیه پیامبر ﷺ در تفسیر این آیه، از مواردی است که می‌توان به وسیله آن، ویژگی‌های خاندان رسالت را تبیین کرد. کاری که در تفسیر جامع شیعی و سنی، فقدان آن به وضوح مشاهده می‌شود. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در تفسیر چگونگی صلوات بر ایشان، حدیث صحیح و متفق علیه ذکر فرمودند که بررسی آن بر اساس آیات قرآن کریم و دیگر روایات صحیح، در اثبات معتقدات کلامی شیعه، نقش اساسی ایفا خواهد کرد. در این حدیث، علت صلوات بر خاندان پیامبر ﷺ همانندی آن‌ها به خاندان ابراهیم ﷺ عنوان شده است. به عبارت دیگر، یعنی خاندان پیامبر ﷺ دارای ویژگی‌هایی شبیه خاندان ابراهیم ﷺ بوده که شایسته چنین تعظیمی شده‌اند. لذا برای بررسی و پی بردن به ویژگی‌هایی خاندان پیامبر ﷺ، باید ابتدا ویژگی‌های خاندان ابراهیم ﷺ که در قرآن کریم به آن پرداخته شده است، بررسی گردد. بر همین اساس، ویژگی‌های خاندان ابراهیم ﷺ عبارت‌اند از: ۱. صاحبان عصمت‌اند؛ ۲. برگزیده شده از جانب خدا بر تمام خلق‌اند؛ ۳. صاحبان کتاب، حکمت و ملک عظیم‌اند؛ ۴. به امر خدا امامان هدایت‌اند.

با توجه به ویژگی‌های فوق، آیات قرآن کریم و روایات صحیح و متفق علیه فریقین از قبیل آیه تطهیر و روایات مربوط به آن و حدیث تعداد خلفای پیامبر ﷺ می‌توان به این نتیجه رسید که آل پیامبر ﷺ را دوازده نفر از ذریه پاک و معصوم ایشان تشکیل می‌دهند که به همراه علی ﷺ و حضرت زهراء ﷺ در مجموع، چهارده نفر هستند. همچنین شبهات ابن تیمیه بر حدیث مذکور که به قصد انکار فضیلت امیرالمؤمنین علی ﷺ و رد عقاید شیعه مطرح شده، مورد بررسی و نقد قرار گرفت و بطلان ادعاهای او ثابت شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۱۰۶-۱۱۰؛ سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۲۸۷۹؛ طنطاوی، ۱۹۹۸م، ج ۱۱، ص ۲۴۳.
۲. مشهدی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۰، ص ۴۲۹-۴۳۹؛ شبر، ۱۳۸۱ش، ج ۵، ص ۱۲۵؛ مدرسی، ۱۴۲۹ق، ج ۷، ص ۲۳۱-۲۳۶؛ شرف‌الدین، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۴۷؛ قرائتی، ۱۳۷۵ش، ج ۹، ص ۳۹۶-۳۹۷.
۳. ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۲۴۰.
۴. «إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان: ۱۳)
۵. «وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ» (طلاق: ۱)
۶. مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۱۱.
۷. «الْمَهْدِي مِنْ عَتْرَتِي، مِنْ وَكَلِدِ فَاطِمَةَ»، «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ، لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يَمْلُؤُهَا عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْزًا». (ابو داود، ۲۰۱۰م، ج ۴، ص ۱۰۷)
۸. «رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ» (هود: ۷۳)
۹. «أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»
۱۰. زینلی، ۱۳۹۷ش، ص ۹۶.
۱۱. إبراهيم عطوة. (ترمذی، ۱۳۹۵ق، ج ۵، ص ۶۶۲)
۱۲. شعيب الأرنؤوط. (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۴۴، ص ۱۱۹)

منابع

۱. آلوسی، شهاب‌الدین، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة القدریة، بی‌جا: جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه، ۱۴۰۶ق.
۳. ابن جوزی، عبدالرحمن، کشف المشکل من حدیث الصحیحین، تحقیق علی حسین البواب، ریاض: دار الوطن، ۱۴۱۸ق.
۴. ابن حجر عسقلانی، علی بن احمد، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت: دار المعرفه، ۱۳۷۹ق.
۵. ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن محمد، مسند، بی‌جا: مؤسسه الرساله، ۱۴۲۱ق.
۶. ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریاء القزوینی الرازی، معجم مقائیس اللغة، بیروت: دار الفکر، ۱۳۹۹ق.

۱۱۴ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال سیزدهم، شماره بیست و پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۰

۷. ابن ماجه القزوينی، ابو عبدالله، سنن ابن ماجه، بيروت: دار الجليل، ۱۴۱۸ق.
۸. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۹. ابو داوود، سليمان بن الأشعث، سنن ابی داوود، قاهره: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۲۰۱۰م.
۱۰. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۱۱. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بيروت: دار إحياء التراث العربی، ۲۰۰۱م.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم و سننه و آیامه، دمشق: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
۱۳. بیاضی، الشیخ علی بن یونس العاملی، الصراط المستقیم إلى مستحقی التقدیم، بيروت: شبکه الفکر، ۱۳۸۴ق.
۱۴. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بيروت: دار الفکر، ۱۴۱۸ق.
۱۵. بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة، تحقیق عبد المعطی قلعجی، بيروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق.
۱۶. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، الطبعة الثانية، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي، ۱۳۹۵ق.
۱۷. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، کتابخانه مدرسه فقهت، ۱۳۳۲ق.
۱۸. ربانی گلپایگانی، علی، «افضلیت و عصمت اهل بیت (علیهم السلام) در آیه و روایات صلوات»، کلام اسلامی، دوره بیست و پنجم، شماره ۹۹، ۱۳۹۵ش، ۹-۲۶.
۱۹. زمخشری، جارالله محمود بن عمرو بن احمد، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بيروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۰. سرمد، زهره و همکاران، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: نشر آگه، ۱۳۸۵ش.
۲۱. سید قطب، ابراهیم حسین الشاربی، فی ظلال القرآن، بيروت-القاهره: دار الشروق، ۱۴۱۲ق.
۲۲. شبر، سید عبدالله، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتب المبین، قم: ذوی القربی، ۱۳۸۸ش.
۲۳. شرف الدین، سید عبدالحسین، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۹ق.
۲۴. شوشتری، قاضی نورالله، الصوارم المهترقة فی نقد الصواعق المحرقة، تصحیح جلال‌الدین حسینی ارموی، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۵ق.
۲۵. شوکانی، محمد بن علی، فتح القادیر، دمشق، بيروت: دار ابن کثیر، دار الکلم الطیب، ۱۴۱۴ق.

۲۶. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۱۷ق.
۲۷. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، القاهرة: مكتبة ابن تیمیه، ۱۴۱۵ق.
۲۸. طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۱، سازمان اوقاف و خیریه، انتشارات اسوه، ۱۳۸۴ق.
۲۹. طنطاوی، محمد سید طنطاوی، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، القاهرة: دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۹۹۸م.
۳۰. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، تهذیب الأحکام فی شرح المقنعة للشیخ المفید رضوان الله علیه، چ ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ش.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: احیاء التراث العربی، ۱۳۷۱ش.
۳۲. عطاردی، شیخ عزیزالله، مسند الامام الرضا علیه السلام، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ق.
۳۳. عینی، بدر الدین، عمدة القاری شرح صحیح البخاری، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۳۴. غلامحسین زینلی، «بررسی سندی حدیث نبوی عصمت اهل بیت در منابع روایی اهل سنت»، دوفصل نامه علمی پژوهشی علوم حدیث تطبیقی، دوره پنجم، شماره ۹، ۱۳۹۷ش، ص ۶۹-۱۰۰.
۳۵. فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، تفسیر الرازی مفاتیح الغیب او التفسیر الکبیر، بی جا: دار الفکر، ۱۴۰۱ق.
۳۶. قاسمی، محمد جمال الدین بن محمد، محاسن التأویل، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۳۷. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۷۵ش.
۳۸. قشیری نیشابوری، الحافظ ابی الحسین مسلم ابن حجاج، صحیح مسلم، الرياض: دار الطیبه، ۱۴۲۶ق.
۳۹. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق رازی، اصول کافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.
۴۰. مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۴۱. مدرسی، سید محمدتقی، من هدی القرآن، چ ۲، بیروت: دار القارئ، ۱۴۲۹ق.
۴۲. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۷ق.
۴۳. مشهدی، محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، قم: دار الغدیر، ۱۴۲۳ق.
۴۴. مفید، محمد بن محمد، المسائل العکبریة، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۴۶. نسایی، احمد بن شعیب، المجتبی من السنن، حلب: مکتب المطبوعات الاسلامیه، ۱۴۰۶ق.

١١٦ □ دو فصلنامه حديث پژوهی، سال سیزدهم، شماره بیست و پنجم، بهار و تابستان ١٤٠٠

٤٧. هیتمی، ابن حجر، الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزنادقة، لبنان: مؤسسة الرسالة، ١٤١٧ق.